

این روزها چهار کالری تهران میزبان مجموعه‌ای از آثار هنری هستند که با موضوع «چهره» خلق شده‌اند.

قسمت بزرگی از این آثار، متعلق به مجموعه شخصی «فریدون آو» است و بخش دیگری از آنها با انتخاب و نمایشگاه‌گردانی او به نمایش درآمده‌اند. فریدون آو که در سال‌های گذشته با علاقه بسیار به گردآوری آثار هنری از نسل‌های مختلف و معرفی هنرمندان جوان پرداخته است، به عنوان مجموعه‌دار نقش مهمی در هنر معاصر ایران دارد. علاوه‌براین، آو برخلاف بسیاری از مجموعه‌داران آثار هنری، علاقه دارد تماشای آثاری را که گردآوری کرده است، با دیگران سهیم شود. برهمین‌اساس، سال گذشته در نمایشگاهی که در گالری دستان برگزار کرد، در کنار آثار خود، به نمایش چیدمانی از آثار هنری مختلف، اشیای عتیقه، یادگاری‌ها و… پرداخت.

اما این‌بار آو دست به کار بزرگ‌تری زده است. او با همکاری بنیاد لاجوردی، در نمایشگاهی با عنوان «چهره‌ها»، تعداد بسیار زیادی از آثار کلکسیون خود را به نمایش گذاشته است که دیدن آنها می‌تواند ضروری بر فعالیت هنرمندان چند دهه اخیر باشد. در این مجموعه، آثار متنوعی از هنرمندان نسل‌های مختلف شامل مجسمه، نقاشی، عکس و لوازم مختلف دیده می‌شود که هر کدام نشان‌دهنده گرایش به سبکی متفاوت است. آثار هنرمندان پیش‌کسوت و جوانی مانند رضا بانگیز، ناصر اویسی، علی‌اکبر صادقی، فریدون آو، فریدون شمس‌الدین، صادق تافراکن، سمیرا اسکندرفر، احمد مرشدلو، صبا علیزاده، سلمان خوشرو و… در این مجموعه به چشم می‌خورد.

در گالری لاجوردی، تابلوهای کوچک و بزرگ بدون ذکر نام هنرمند، دیوارها را از کف تا سقف پوشانده‌اند و در فضای میانی هم آثار حجمی قرار گرفته‌اند. همان‌طورکه از عنوان نمایشگاه برمی‌آید، مضنون مشترک تمام این آثار، «چهره» است؛ اما این چهره الزاما به معنای طراحی یا نقاشی پرتره نیست. آنچه در این مجموعه دیده می‌شود، آثار بسیار متنوعی در مدیوم‌های مختلف هنری و حتی گاه اشیایی غیرهنری است. در مجموعه چهره‌های فریدون آو، از طراحی‌های مادامی ساده تا تابلوهای پرکار رنگ‌وروغن، از عکس‌های قدیمی تا فتوکلاژ و… را می‌توان مشاهده کرد. عکسی قاب‌شده از یک فوتبالیست در زمین فوتبال، عکس سیاه و سفید قدیمی از عروس و داماد، پوستر سیاه و سفید یک اپرا، مجسمه فیگور زنی که جای صورت او تلویزیون قرار دارد، مجسمه‌های کوچکی که چهره یا فیگور انسان را در حالت‌های اغراق‌شده نشان می‌دهند و حتی اثری بسیار مینی‌مال که دو بادام را با مژه مصنوعی درون قاب قرار داده و چهره‌ای را یادآوری می‌کند، از جمله آثار این مجموعه هستند. اما جدا از آثاری که ازسوی هنرمندان مختلف خلق شده‌اند، اشیایی در این مجموعه قرار دارد که هدف از ساخت آنها، چیزی به جز آفرینش هنری بوده است. چند گلیم و جاجیم قدیمی که در آنها فیگوری وجود دارد، بر روی دیوار نصب شده یا روی زمین پهن شده است و در سوی دیگر، میز چوبی قدیمی قرار دارد که روی آن فیگورهایی نقش بسته است. ماسک‌های سرخوستانی و آفریقایی که نقش مهمی در مراسم آیینی اقوام بدوی دارند، با فرم‌های جذاب خود بخش

نگاهی به نمایشگاه «چهره/ تصویری از خود»

خودنگاره‌های بی‌چهره

مریم درویش



درون من، کوروش شیشه‌گران

دیگری از چهره‌های به‌نمایش‌درآمده هستند.

جدا از آنچه در گالری لاجوردی به نمایش درآمده است، هم‌زمان در سه گالری ا، آرآن و پروژه‌های آرآن، نمایشگاهی با عنوان «تصویری از خود» به نمایشگاه‌گردانی فریدون آو برگزار شده که شامل آثار نقاشی، طراحی، حجم، ویدئو، موسیقی و… است. در این سه گالری هم قرار است هنرمندان تصویری از خود را در قالب مدیوم‌های مختلف نمایش دهند؛ اما آنچه در این مجموعه دیده می‌شود، گاه چیزی فراتر از تصویر چهره هنرمند است. تعدادی از هنرمندان این مجموعه، تصویر خود را به شکلی واضح نمایش داده‌اند. این آثار یا کارهای قدیمی استادان نقاشی هستند، یا کارهای هنرمندان جوانی که تصویر خود

«چهره/ تصویری از خود» به روایت «ژینوس تقی‌زاده»

هر اثر هنری یک سلف پرتره است

خود او و روش زندگی اوست نه چیز دیگر. به‌همین‌دلیل اصلا عجیب نیست که هنرمند در نمایشگاهی با نام «تصویری از خود» اثری انتزاعی ارائه دهد. البته انتخاب این عنوان برای نمایشگاه نیز کار هوشمندانه‌ای است چون به هنرمند امکان خلاقیت و انتخاب بیشتری می‌دهد و می‌تواند خیلی چیزها را دربرگیرد. هنرمند می‌تواند اثری که نمایش داده را نمادی از خودش بداند و درباره خودش حرف بزند.

آیا به نظر شما، فریدون آو به عنوان کیورتور این نمایشگاه، چه تأثیری در کیفیت این مجموعه داشته است؟

به نظر من، بعد از مدت‌ها نمایشگاه گروهی بسیار خوبی برگزار شد چون آقای آو با همه هنرمندانی که برای حضور در نمایشگاه انتخاب کرده است سال‌های طولانی آشنا بوده و مسیر کاری آنها را پیگیری کرده است. او هنرمندان را آزاد گذاشت تا به انتخاب خودشان اثری را ارائه دهند و این اعتماد به هنرمند ناشی از سال‌ها آشنایی است. همین موضوع تفاوت فریدون آو را با بسیاری از افراد دیگری که کیورتوری نمایشگاه انجام می‌دهند، مشخص می‌کند. من سه بار از نمایشگاه مجموعه لاجوردی بازدید کردم و به‌نظم یک چیدمان بزرگ است و در مجموع چهره خود فریدون آو را نشان می‌دهد. تابلوها، ماسک‌ها، فرش‌ها و… درحالی‌که بدون نام هنرمند در کنار هم قرار گرفته‌اند، نشان‌دهنده چهره او به عنوان یک هنرمند، مجموعه‌دار و شخصیت فرهنگی هستند که کل این مجموعه را چیدمان کرده است.

آ نظر شما درباره دیگر آثار نمایشگاه چیست؟ چه آثاری بیشتر توجه‌تان را جلب کردند؟

هنرمندان انتخاب‌های خیلی خوبی داشتند وکل ترکیب نمایشگاه برای من جالب بود. علاقه من به آثار بعضی از هنرمندان باعث می‌شود هر جا اثری از آنها می‌بینم توجه بیشتری به آنها داشته باشم. در این نمایشگاه هم آثاری از احمد امین‌نظر و نیکزاد نجومی وجود دارد که دیدن آنها برایم بسیار جالب بود. به آثار این دو نفر خیلی علاقه دارم و همیشه چیزهای جدیدی از آنها یاد می‌گیرم.

مداردنگی کشیده و حسینیعلی ذابچی تصویر خود را با همان صورت‌های دفرمه همیشگی‌اش نشان داده است. اما در بسیاری از آثار، چیزی به عنوان چهره هنرمند دیده نمی‌شود. در این کارها هنرمند تصویر خود را نه به صورت عینی، بلکه به صورت انتزاعی در اثر هنری خود بازنمایی کرده است. ابوالقاسم سعیدی یکی از همان درختان معروفش را نمایش داده، راضیه صدیقیان خطوط به‌هم‌پیوسته‌ای را با مداد قرمز روی کاغذ کشیده و انگار یک نقشه جغرافیا رسم کرده است، یعقوب عمامه‌پیچ مجموعه‌ای از چاپ‌های دستی سیاه روی کاغذ گراف انجام داده است، بهداد لاهوتی دو حجم فلزی دایره‌ای ارائه کرده، نازگل انصاری‌نیا روی سه کاغذ چندمتری که از سقف آویزان شده‌اند، خطوطی با مداد قرمز و سیاه کشیده است، مهسا کریمی‌زاده میلی قرمز رنگ را در کنار حجم سیاهی که رشته‌های فلزی نازکی در آن فرورفته قرار داده است و علی کاظمیان شعر کوتاهی را با همراهی پیانو خوانده است که به صورت مداوم در فضا تکرار می‌شود.

در گالری پروژه‌های «آران» برخورد مفهومی‌تری با چهره و تصویری از خود شده است؛ از ویدئو عباس کیارستمی که درواقع عکسی صحنه‌سازی‌شده است تا چیدمان-نقاشی کوروش شیشه‌گران که آینده از معنای استعاری و تلمیحی است و «خود» معنای هویت روانی و فردی را دربر می‌گیرد.

گالری پروژه‌های آرآن فضایی پاسیوم‌اند در ابعاد ۴٫۵ در ۲ متر و به ارتفاع ۶ متر دارد. عنوان چیدمان شیشه‌گران در این فضا، «درون من» بود (Me, the inside). یک دروازه از جنس پلکسی‌گلس در ورودی void نصب شد که درواقع دریچه‌ای به درون هنرمند بود. داخل این void بوم‌های چاپ‌شده و حجمی که ساخته شده و در مرکز قرار دارد، فضای متفاوتی را نسبت به تجربه‌های پیشین هنرمند تولید می‌کنند. اگر افراد داخل شوند، می‌توانند در آینه‌ای که روی زمین و زیر یک میز قرار گرفته است، تصویری از زیر میز را ببینند. این تصویر رنگی با فضای بی‌رنگ اطراف، تضاد زیادی دارد. استفاده از آینه در این چیدمان دعوتی برای توجه به وجه ناپیدای اشیاء، پدیده‌ها و درونیات است؛ توجه به آنچه وجود دارد اما دیده نمی‌شود. در این دسته از آثار، نه‌تنها چهره هنرمند آشکار نیست، بلکه نشانی از انسان هم در آنها دیده نمی‌شود. در اینجا خود هنرمند، نه به عنوان یک واقعیت، بلکه به عنوان یک مفهوم در نظر گرفته می‌شود. «خود» هنرمند فارغ از هر فرم و شکلی است و با این دیدگاه، هر اثر هنری که ازسوی هنرمند خلق می‌شود، در واقع تصویری از خود اوست. در اینجا نیازی به ارائه یک سلف پرتره نیست، بلکه هنرمند قصد دارد در اثر هنری با هر شکل و مترایی که هست، تصویری از خود را نمایش دهد. تفاوت دیدگاه هنرمندان به موضوع «تصویری از خود» در این نمایشگاه کاملا مشهود است. این آثار فارغ از جنبه هنری آنها، به نوعی نمایانگر روحيات و افکار هنرمندان و نوع نگرش آنها به موضوع است. برهمین‌اساس، آنچه فریدون آو برای ارائه در این نمایشگاه گردآوری کرده است، این امکان را به مخاطب می‌دهد تا با گردش در گالری، با انواع متفاوت نگرش و جهان‌بینی هنرمندان مختلف آشنا شود.

«چهره/ تصویری از خود» به روایت «رینتاشراف‌جهان»

تنها پرتره نشان‌دهنده خود هنرمند نیست

آیا در تابلوی شما پرتره‌ای را می‌بینم که روی آن چند قیچی و نخ‌های آویخته وجود دارد. کمی درباره این اثر توضیح دهید…

این کار پیش از این نمایش داده نشده بود اما متعلق به مجموعه «سودای ششم» است که حدود پنج سال پیش با استفاده از پرتره‌های خودم کار کردم.

عکس‌هایی که از دهه ۶۰ به جا مانده و حال‌وهوای آن روزها و زندگی من را در خود دارند، در این مجموعه روایتگر به‌جامانده‌ها هستند؛ کسانی که کمتر جایی در تاریخ دارند و سرنوشت آنها بازگویی آن چیزی است که گذشت.

آیا در این نمایشگاه شاهد برخوردهای متفاوت هنرمندان با موضوع «تصویری از خود» هستیم. به نظر شما، آثاری هم که تصویر هنرمند در آنها دیده نمی‌شود، می‌توانند در این مجموعه قرار گیرند؟

آنچه در این مجموعه می‌بینم تا حد زیادی به کیورتور و تلقای کی که او از «تصویر خود» دارد، مربوط می‌شود. من با این دیدگاه موقاف هستم که کمتر جایی در پرتره و آن چیزی که در صورت نمایان می‌شود، نشان‌دهنده خود هنرمند نیست، بلکه هویت می‌تواند در خیلی چیزهای دیگر غیر از صورت هم نمایان شود. خیلی از آثار ممکن است چیزهای دیگری را از درون هنرمند و موقعیتی که در آن قرار دارد به مخاطبان نشان دهد که می‌تواند مهم‌تر از ظاهر و آن چیزی که در صورت دیده می‌شود، باشد.

در دنیای هنر برخوردهای متفاوتی با چهره وجود دارد. گاهی آثار فیگوراتیو است و ظاهر را عین‌به‌عین نمایش می‌دهد اما گاهی کمتر وابستگی به ظاهر دارد و به لایه‌های درونی می‌پردازد. در اینجا هنرمند با تکنیک و شیوه بیان خود می‌تواند کار را گسترش دهد و کمی وسیع‌تر به نمایش شرایط و هویت خود بپردازد.

آیا می‌توان این مجموعه را به شکل یک گزارش از تصویر هنرمندان معاصر ایران از خودشان دید

تابلوی کلمات

«چهره/ تصویری از خود» به روایت «شقایق عربی»

تصویری از خود کیورتور

آ عنوان نمایشگاه «چهره/ تصویری از خود» انتخاب شده است. می‌توانست «خودنگاره‌ها» هم باشد. اما در آن صورت دایره تعاریف برای این مجموعه محدودتر و سخت‌گیرانه‌تر می‌شد. درحال حاضر بسیاری از آثار این نمایشگاه در نگاه اول با تصویری از آفریننده آنها مرتبط نیستند. درواقع ارجاع مضمونی به آدم مشخص ندارند. کار شما هم چنین کیفیتی دارد. درباره اجرای این کار و تلقی‌ای که از مفهوم مورد نظر کیورتور نمایشگاه داشتید، بگویید…

تصویری از خود برای من هم قطعا همان تصویر مشخص «صورت» می‌تواند باشد، اما محدود به آن نیست. مجموعه رفتارها و انتخاب‌های من هم تصویری از من را ارائه می‌دهند. این کار، با یک تکه بتون و آجر از دیوار یک خانه در حال تخریب در شهر آغاز شد، و با اضافه‌کردن دو سطح صیقلی و رفلکتیو به بالا و پایینش نه‌تنها تصویر من است، بلکه بازدیدکننده تصویر خود را در آن می‌بیند.

آ در جهان هنر امروز، رویه‌های خاصی به‌وضوح دیده می‌شوند. امروز بخش بزرگی از هنر نه بر تولید (production) که بیشتر بر انتخاب (selection) و ارائه (presentation) متمرکز شده است. این دقیقا همان کاری است که یک کیورتور هم انجام می‌دهد. آیا می‌توان گفت آثار هنری در دستان یک کیورتور انبوهی از حاضر-آماده‌ها هستند که انتخاب و ارائه می‌شوند؟ شما با این نظر همراه هستید؟

به نظر من، این فقط بخشی از کار یک کیورتور است نه تمام آن. درواقع کار کیورتور خیلی جلوتر از مرحله انتخاب و ارائه شروع می‌شود.



آ از قاجار به بعد رابطه هنرمند و تغییری در کارش به وجود آمده مخدوش بوده؛ چون خاستگاه دقیق و مشخص فردی نداشته. از نظر شما نسبت کار هنرمند با زندگی و تجربه فردی او مهم است یا بیون او با جریان مسلط؟

به نظر من، تجربه فردی یک هنرمند جدا از جریان مسلط نیست و جریان مسلط هم لایه‌های زیادی دارد، می‌تواند گذرا، سطحی و محدود به زمان باشد یا عمیق‌تر و بی‌زمان‌تر. **آ همان‌طور که می‌بینیم، جهان تصاویر امروز انبوهی از پدیده‌ای نوظهور به نام selfی شده است. مردمانی هستند بی‌وقفه status گفته می‌شود و این محتوا را در بسترستی باز و در دسترس با انبوهی از مخاطبانشان به اشتراک می‌گذارند. آیا به نظر شما عموم انسان‌ها قصد دارند تصویرشان، آن و حال‌وهوایشان را به نمایش بگذارند؟ خود واقعی‌شان را نشان دهند؟ یا تصویری که می‌پسندند و در ذهن می‌پروراند را از خودشان به نمایش می‌گذارند؟**

چیزی که من غالبا می‌بینم گزارشی از اتفاقات روزانه آدم‌هاست که انگار بلندبلند برای همه تعریف می‌کنند. اینکه آن آدم‌ها چه کارهایی یا به چه خبرهایی توجه می‌کنند، اتفاقا می‌تواند بیشتر تصویری از خود باشد، نه الزاما پروفایلیشان یا سلفی‌شان.

آ نگاهتان به دیگر آثار نمایشگاه چیست؟ اگر بخواهید پنج اثر مورد علاقه خودشان را معرفی کنید، کدام‌ها هستند؟

متأسفانه چون نتوانستم همه نمایشگاه را ببینم تصویر کاملی ندارم ولی چیدمان فضای گالری لاجوردی به نظر من یک اثر بود؛ تصویری از خود کیورتور و البته تصویری بسیار زیبا.

مکعب سفید

«چهره/ تصویری از خود» به روایت «مرتضی پورحسینی»

ارتباط کیورتور با هنرمندان در جایی قطع شده دهید…

این اثر بخشی از مجموعه‌ای است که در چند سال گذشته روی آن کار می‌کنم و سعی کردم یکی از آنها را با توجه به موضوع این نمایشگاه برای نمایش انتخاب کنم. در این کار اشاره مستقیم به چهره من وجود ندارد اما فیگور خودم در آن استفاده شده که نمادی از انسان امروزی است. تصویری که من یا هر انسانی از خودش دارد با توجه به حافظه تاریخی و اتفاقاتی که بر او گذشته است، شکل می‌گیرد. من و هم‌نسلان من خاطره هشت سال جنگ را داریم که تأثیرات آن در زندگی و روان ما بسیار پررنگ است.

عنوان اثر «داغه» است به معنای لکه یا زخمی روی بدن که از بین نمی‌رود و در آن من تصویری را که تا الان از زندگی خود دیدم به نمایش گذاشتم. در این کار از یک تصویر قدیمی معروف از یک زندانی جنگ جهانی دوم، که شماره زندانی او روی بدنش خالکوبی شده است، الهام گرفتم. در همه جنگ‌ها به زندانیان یک شماره داده می‌شد و آنها با آن شماره شناخته می‌شدند. حتی نفرت و کشته‌شدگان جنگ هم براساس تعداد و شماره شناخته می‌شوند و دیگر نامی ندارند. در کاری که من ارائه کردم فیگور خودم دقیقا به شکل تصویر اصلی وجود دارد و شماره‌ای که روی بدمن وجود دارد، تعداد شهدای جنگ ایران را نشان می‌دهد.

آ عنوان این نمایشگاه «تصویری از خود» است اما در بسیاری از آثار نشانه‌ای از شخص هنرمند دیده نمی‌شود. به نظر شما، چگونه هنرمند یک اثر انتزاعی را به عنوان تصویری از «خود» ارائه می‌کند؟

در سال‌های اخیر دیگر نمی‌توان تعریف مشخصی از سلف‌پرتره ارائه داد تا بگوییم تصویری از خود باید صرفا به شکل پرتره یا فیگور باشد. عده‌ای از هنرمندان کارهای مینی‌مال انجام می‌دهند و برای مثال، می‌گویند این تکه‌سنگ یا لکه رنگ «آن» من است. این تعریف می‌تواند درست باشد اما جامعه هنری ما هنوز نتوانسته این موضوع را هضم کند و بگوید چقدر می‌توانیم خودمان را در یک تکه‌سنگ ببینیم. در شرایط فعلی لازم است به عنوان یک چالش ذهنی بررسی کنیم یک هنرمند چه تصویری از خودش دارد. بارها برای من پیش آمده چیزی را در طبیعت پیدا کردم یا کتابی را خواندم که احساس کردم خیلی به من نزدیک است، اما اگر اینها را به‌عنوان تصویر خودم ارائه کنم، وجود من در آن برای مخاطب قابل تشخیص نیست. برای همین تلاش کردم با نگاه جسمانی و فیگوراتیو تصویر خود را نمایش دهم تا بتوانم با مخاطب ارتباط برقرار کنم.

آ با وجود این، فکر می‌کنید دلیل استقبال هنرمندان از ارائه آثار آبستره یا آثار مفهومی در این نمایشگاه چیست؟

به نظر من، اینکه چیزی را پیدا کنیم یا تصویری را خلق کنیم و بگوییم این تصویر من است، کار هنرمند را راحت می‌کند، اما باید برای آن تعریفی وجود داشته باشد که در کنار اثر قرار گیرد. اما متأسفانه در خیلی از نمایشگاه‌ها وجود استیتمنت نایدیده گرفته می‌شود. قطعا هر هنرمند ایده‌ای برای ارائه آثار انتزاعی داشته و باید این ایده مطرح شود تا باعث سردرگمی بیننده نشود. حتی کار من با وجود اینکه فیگوراتیو است متنی به همراه خود داشت تا درباره آن توضیح دهد اما متأسفانه در نمایشگاه نصب نشد. حال مخاطب چگونه می‌تواند با دیدن یک شی یا چند خط تجسم کند این کار ربطی به تصویر هنرمند دارد.

این روزها نمایشگاه‌های زیادی با این موضوع برگزار می‌شود و هر آرتیستی می‌تواند یک اثر هیچ ربطی به موضوع نمایشگاه ندارد، ارائه دهد و بگوید این کار بخشی از خود من است. از طرفی با این نگاه دست هنرمند باز است اما من فکر می‌کنم در فضای هنری ما باید تعریف مشخصی از سلف‌پرتره وجود داشته باشد.

آ به نظر شما، نقش فریدون آو به عنوان کیورتور در این نوع نگاه به سلف‌پرتره و شکل‌گیری نمایشگاه چیست؟

برای برگزاری یک نمایشگاه موفق نکات مختلفی باید رعایت شود. اولین مرحله انتخاب موضوع است و این نمایشگاه از این منظر خوب بود. موضوع آن من را درگیر کرد و در مدتی که زمان داده شده بود تلاش کردم کاری متناسب با موضوع ارائه دهم. انتظار داشتم باقی هنرمندان هم این‌گونه با کار برخورد کنند اما به نظر می‌رسد ارتباط کیورتور با هنرمندان در جایی قطع شده و درباره اینکه هنرمند قرار است چه نوع اثری ارائه دهد صحبتی نشده است. همین موضوع باعث شده تعدادی از کارها برای بیننده گنگ باشد. کیورتور فضا را باز گذاشت تا هنرمند در انتخاب اثرش آزاد باشد اما به نظر می‌رسد این موضوع باعث شده است هنرمند اثری را که در نمایشگاه دیگری با موضوع و عنوان دیگری نمایش داده بوده این‌بار به نام تصویری از خود ارائه دهد. بنابراین نمی‌توانیم در این نمایشگاه تعریف هنرمند از تصویر خود را داشته باشیم و به‌همین‌دلیل فکر می‌کنم این نمایشگاه برای نمایش عنوان خود ۵۰۰ درصد موفق بوده است.

از سوی دیگر، نبود کاتالوگ و استیتمنت هم باعث سردرگمی بیننده می‌شود. شاید ایده کیورتور این بوده که مخاطب با دید خودش با کارها ارتباط بگیرد اما باید این را هم در نظر گرفت که شاید مخاطب شناخت کافی از هنرمند و روند کاری او نداشته باشد، یا حتی با وجود داشتن شناخت نتواند مفهوم اثر را درک کند. خود من با اینکه بسیاری از هنرمندان را می‌شناسم و کارهای آنان را دنبال می‌کنم با تعدادی از کارها نتوانستم ارتباط برقرار کنم.

